

A Study of the Evolution of Religiosity in Western European Societies from 1980 to 2010

Majidi, Mohammadreza; Talkhabi, Majid

Veröffentlichungsversion / Published Version

Zeitschriftenartikel / journal article

Empfohlene Zitierung / Suggested Citation:

Majidi, M., & Talkhabi, M. (2021). A Study of the Evolution of Religiosity in Western European Societies from 1980 to 2010. *Religious Research*, 8(16), 255-281. <https://doi.org/10.22034/jrr.2021.228143.1703>

Nutzungsbedingungen:

Dieser Text wird unter einer CC BY-NC Lizenz (Namensnennung-Nicht-kommerziell) zur Verfügung gestellt. Nähere Auskünfte zu den CC-Lizenzen finden Sie hier: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.de>

Terms of use:

This document is made available under a CC BY-NC Licence (Attribution-NonCommercial). For more information see: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

A Study of the Evolution of Religiosity in Western European Societies from 1980 to 2010¹

Mohammad Reza Majidi*

Majid Talkhabi**

(Received: 2020-05-14; Accepted: 2020-10-16)

Abstract

Examining the role of religion and the evolution of religiosity in Western European societies, as secular societies, has always been important. Given the period from 1980 to 2010, this article seeks to answer the question of what changes religiosity has undergone in Western European societies, especially in the two dimensions of belief in religion and practice of religious beliefs. To answer this question, we have used the survey method and data analysis. In this regard, a survey program entitled "Study of European Values" examined the ideas, attitudes and values of citizens in various fields including religion and religiosity since 1981 and in the form of five study waves (1981, 1990, 1999, 2008 and 2017). The survey data have been used in this article to explain and analyze the discussion. Considering indicators such as theism, religious rites, church attendance rate and adherence to traditional rituals in important matters of life (birth, marriage and death), the findings of this study show that the process of secularization in Western European countries, both in terms of belief in religion and in terms of practice of religious beliefs, has intensified and the role of religion in the lives of Western European societies is much more declining than before.

Keywords: Evolution of Religiosity, Religious Beliefs and Practices, Secularization, Christianity, Western European Societies.

1. This article is taken from: Majid Talkhabi, "A Study of Religious Developments in Western European Countries from 1981 to 2010", 2021, PhD Thesis, Supervisor: Mohammad Reza Majidi, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

* Associate Professor, Department of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), mmajidi@ut.ac.ir.

** PhD Student in Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran, majid210@gmail.com.

بررسی سیر تحول دینداری در جوامع اروپای غربی از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰^۱

محمد رضا مجیدی*

مجید تلخایی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶]

چکیده

بررسی نقش دین و سیر تحول دینداری در جوامع اروپای غربی، به عنوان جوامعی سکولار، همواره مهم بوده است. این مقاله با لحاظ کردن بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰، به دنبال پاسخ به این پرسش است که دینداری در جوامع اروپای غربی، به ویژه در دو بُعد باورمندی به دین و عمل به باورهای دینی، با چه تحولاتی مواجه شده است. برای پاسخ به این پرسش از روش پیمایشی و تحلیل داده‌ها بهره گرفته‌ایم. در همین رابطه برنامه‌ای پیمایشی با عنوان «مطالعه ارزش‌های اروپایی» از سال ۱۹۸۱ و در قالب پنج موج مطالعاتی (۱۹۸۱، ۱۹۹۰، ۱۹۹۹، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۷) ایده‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های شهروندان را در زمینه‌های مختلف، از جمله دین و دینداری، بررسی کرده است که در مقاله حاضر برای تبیین و تحلیل بحث خود از داده‌های آن بهره برده‌ایم. با در نظر گرفتن شاخص‌هایی چون خداباوری، انجام دادن مناسک دینی، میزان رجوع به کلیسا و پای‌بندی به آیین سنتی دینی در مسائل مهم زندگی (تولد، ازدواج و مرگ) یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فرآیند سکولاریزاسیون در کشورهای اروپای غربی، هم در میزان باورمندی به دین و هم در میزان عمل به باورهای دینی، تشدید شده و نقش دین در زندگی جوامع اروپای غربی بیش از پیش رو به زوال است.

کلیدواژه‌ها: سیر تحول دینداری، باورها و اعمال دینی، سکولاریزاسیون، مسیحیت، جوامع اروپای غربی.

۱. برگرفته از: مجید تلخایی، بررسی تحولات دینداری در کشورهای اروپای غربی از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۰، رساله دکتری مطالعات منطقه‌ای، استاد راهنما: محمد رضا مجیدی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۳۹۹.

* دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) mmajidi@ut.ac.ir
** دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

نقش دین در جوامع سکولار اروپای غربی همواره موضوعی جذاب برای مطالعه بوده است. در واقع، پژوهشگران حوزه دین و جامعه‌شناسی دینی همواره به این پرسش اهمیت داده‌اند که سکولارشدن ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جوامع غربی چه تأثیری بر نگرش اعتقادی و دینی افراد بر جای گذاشته و نسبت دینداری و سکولاریسم در زندگی جوامع غربی چگونه است. علت اهمیت داشتن بررسی این موضوع آن است که میزان باورمندی دینی نزد شهروندان هر جامعه همواره نقشی کلیدی در جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی آنان داشته است. در این وادی، تحولات سریع جوامع اروپای غربی متأثر از رشد فناوری‌های جدید و جهانی‌شدن و توسعه اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های اخیر ایجاب کرده است که نقش دین در انگاره و اذهان شهروندان اروپایی با اهمیت و حساسیت بیشتری مطالعه شود. مطالعاتی چون بررسی فرناندز و ویلاشا (Fernandes, 2003; Vilaça, 2001) در شرق اروپا، پیکل و سامت، و تومکا (Pickel and Sammet, 2012; Tomka, 2011) در غرب اروپا و آرتس و هالمن، و بروخن (Arts and Halman, 2004; Bréchon, 2004, 2013a) در حوزه اروپا مثال‌های خوبی در این زمینه‌اند. بسیاری از این مطالعات (Bréchon, 2013b; Halman, 2003; Halman and Draulans,) از داده‌های طرح مطالعه ارزش‌های اروپایی (2006; Halman and Riis, 2002; Lambert, 2004) و برخی دیگر (The European Values Study) و Greeley, 2003; Pickel and Muller, 2009;) از دیگر پایگاه‌های داده یا نظرسنجی بین‌المللی استفاده کرده‌اند (Coutinho, 2016: 164).

مطالعه سیر تحول دینداری جوامع، بدون انجام پیمایش‌های درخور اعتنا، فاقد اتکای علمی است. پایگاه‌های داده‌های بین‌المللی مانند نظرسنجی اجتماعی اروپایی (The European Social Survey)، مطالعه ارزش‌های اروپایی، برنامه نظرسنجی بین‌المللی (The International Social Survey Programme) و بررسی ارزش‌های جهانی (The World Values Survey) ارائه‌دهنده مجموعه‌ای از پیمایش‌ها در این زمینه‌اند که پایه بسیاری از پژوهش‌های تحلیلی این حوزه را تشکیل می‌دهند. مقاله حاضر با مطرح کردن این

پرسش که روند دینداری در جوامع اروپای غربی در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ با چه تحولاتی مواجه شده، کوشیده است با استناد به پیمایش‌ها و داده‌های مختلف، به‌ویژه طرح «مطالعه ارزش‌های اروپایی» و تحلیل یافته‌های آنها، به این پرسش پاسخ دهد. مطالعه این پژوهش به دانش‌پژوهانی که در حوزه مطالعات دینی در اروپا فعال‌اند توصیه می‌شود، و علاوه بر آن می‌تواند برای رایزنان فرهنگی و مبلغان دینی جمهوری اسلامی ایران در اروپا نیز مفید باشد.

۱. چارچوب نظری پژوهش

در گام نخست برای اینکه بتوانیم روند دینداری در جوامع اروپای غربی را بسنجیم، نیازمند چارچوبی نظری هستیم که ضمن تعریف مفاهیم این حوزه، شاخص‌های مناسب سنجش را در اختیارمان قرار دهد. به این منظور، پژوهش حاضر از الگوی گلاک و استارک (Glock & Stark) (۱۹۶۹) بهره گرفته است؛ زیرا این الگو در مقایسه با سایر الگوهای مشابه، به طور جامع‌تری مفاهیم و شاخص‌های لازم را تبیین و شناسایی کرده است. در این الگوی نظری و مطالعاتی، دین، نظامی متشکل از تجربه‌ها (Experiences)، باورها (Beliefs)، اعمال (Practices)، ارزش‌ها و نهادهای مرتبط با امر مقدس (Values, and Organisations Related to the Sacred) تعریف شده است. دینداری متشکل از باور و در ارتباط افراد با موجودی متعالی (Transcendent Being) است که در رفتارها، نگرش‌ها و اعمالشان بروز می‌یابد. مطابق با الگوی گلاک و استارک، دینداری به پنج بُعد تقسیم می‌شود: تجربی (Experiential)، ایدئولوژیکی (Ideological)، مناسکی (Communal)، فکری (Ritualistic) و پیامدی (Consequential) (Holdcroft, 2006 : 89).

گلاک و استارک (۱۹۶۶) با مشاهده این موضوع که مطالعات تجربی مربوط به دین به نتایج متناقضی منتهی می‌شود و هر محققی به سلیقه خود دین را تعریف می‌کند، کوشیده‌اند با مروری بر نتایج پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه، ویژگی‌هایی را برای دینداری برگزینند که از جامعیت بیشتری برخوردارند. آنها این ویژگی‌ها را حول پنج بُعد به شکل زیر دسته‌بندی کرده‌اند (خدایاری‌فرد و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۷):

بررسی سیر تحول دینداری در جوامع اروپای غربی از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ / ۲۵۹

بُعد اعتقادی یا باورهای دینی (Religious beliefs): این بُعد دربرگیرنده مجموعه استانداردهای از باورهای دینی از قبیل باور به وجود خدا، زندگی پس از مرگ، ماوراءالطبیعه و ... است. بنابراین، دلالت بر نظامی معنایی دارد که شامل قدرت بالاتر و نوعی قدرت مقدس و ماورایی است. در واقع، بُعد اعتقادی عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آنها اعتقاد داشته باشند (Pearc & others, 2017: 370)؛

بُعد اعمال دینی (Religious practices): اعمال دینی به دو دسته تقسیم می‌شود: الف. شعائر یا مناسک (Rituals): آداب و رسوم تدوین شده دین که در میان باورمندان به آن دین الگو و رفتارهایی نمادین به حساب می‌آید. مناسک، آداب و ترتیباتی است که در هر دین از پیروان آن انتظار می‌رود آنها را به جا آورند؛ ب. پرستش و دعا (Devotion): اعمال فردی و خصوصی که فرد آنها را با رضایت خاطر و بدون اجبار انجام می‌دهد، زیرا اینها اعمالی غیررسمی‌اند (Salleh, 2012 : 267)؛

بُعد تجربه دینی (Religious experience): موقعیت‌های برتر ایجادشده‌ای که فرد در آنها خود را رویارو و مواجه با شعور برتر احساس می‌کند؛

بُعد فکری (Religious Knowledge): با این انتظار ارتباط دارد که فرد مذهبی درباره اصول اساسی ایمان و کتاب مقدس آگاه باشد (از جمله تاریخ، مقدسات، اخلاق و ...) (Holdcroft, 2006: 90)

پیامدها (Consequences): این بُعد ناظر به رفتار روزمره و غیردینی افراد است. در واقع، این بُعد به دنبال بررسی این موضوع است که به چه میزان دین بر اساس اعتقادات، اعمال و تجربه‌های مذهبی بر رفتارهای فردی در همه زمینه‌ها، به‌ویژه در زمینه‌های غیردینی، تأثیر می‌گذارد (AbouYousef & others, 2011: 730).

پس از آشنایی با شاخص‌های دینداری مطابق با الگوی گلاک و استارک، در بخش بعدی می‌کوشیم با توجه به پیمایش‌های انجام‌شده، این شاخص‌ها را در جوامع اروپای غربی در دو بُعد باورمندی به دین و عمل به باورهای دینی مطالعه و ارزیابی کنیم.

۲. بُعد باورمندی به دین

برای مطالعه باورمندی به دین در جوامع اروپای غربی، سه شاخص تعلقات دینی، خداباوری و باور به خدای شخصی و باور به آینده فرازین (معاد) ارزیابی و تحلیل شده است که در ادامه بیان می‌کنیم.

۱.۲. تعلقات دینی

برای بررسی این شاخص دوازده کشور منتخب اروپای غربی در سه گروه کشورهای پروتستان، کشورهای کاتولیک و کشورهای با مذاهب مختلط در نظر گرفته شده است. کشورهای پروتستان سوئد، نروژ و دانمارک هستند که اغلب به آیین پروتستان لوتری تعلق دارند. کشورهای کاتولیک نیز، بر حسب میزان تقریبی سکولاریزاسیون، شامل فرانسه، بلژیک، اسپانیا، ایتالیا، پرتغال و ایرلند می‌شوند. نکته جالب در این گروه این است که در کشورهای کاتولیک، دین نهادمندتر است و بیشتر ایستادگی کرده است؛ هرچند با مقایسه میزان دینداری نسل‌های متفاوت می‌توان نشان داد که جوانان به طور محسوسی کمتر از مسن‌ترها از کاتولیسیسم تأثیر گرفته‌اند. گروه سوم نیز کشورهای هلند، آلمان و بریتانیا هستند که در آنها هر دو مذهب کاتولیک و پروتستان پیروانی دارند. در این بین، تزلزل نهادمندی دینی، به‌ویژه در کاتولیسیسم هلند، بسیار شدید است، موضوعی که بیانگر فراوان بودن تعداد اشخاصی است که خود را بدون تعلق دینی معرفی می‌کنند. آلمان همچنان کشوری است که در آن نهادها پیوندهای ارگانیکی با دولت دارند و بنابراین حرکت گسست از نهاد دینی محدود است؛ هرچند این حرکت در سال‌های اخیر بسیار شایان توجه بوده است. با این حال بیشترین درصد افراد بدون تعلق به مذهبی خاص متعلق به کشورهای هلند، فرانسه و بلژیک است (برشون، ۱۳۹۶: ۲۳۲-۲۴۰).

تقریباً همان نتایج را می‌توان از روند تخمینی حضور در کلیساها، یعنی تعلق مسیحی، به دست آورد. در جوامع سنتی کاتولیک، به‌جز ایتالیا، و در جوامع سنتی مختلط، میزان حضور در کلیساها رو به زوال است. در جوامع سنتی پروتستان ایسلند و دانمارک ثبات وجود دارد و در سوئد متوسط است. برای مقایسه روندهای اعتقاد و

بررسی سیر تحول دینداری در جوامع اروپای غربی از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ / ۲۶۱

تعلق در هر کشور یک روند استاندارد محاسبه شده است. در بیشتر کشورهایی که در اعتقاد روند نزولی دارند، نزول تعلقات نسبتاً شدیدتر بوده است. یافته‌های آرتس و همکاران وی نشان می‌دهد که در بیشتر کشورهای اروپای غربی هیچ شکاف فزاینده‌ای میان باور و تعلق مسیحیان وجود ندارد. رابطه میان اعتقاد و تعلق در سطح فردی و در دو دهه گذشته تقریباً در جهان غرب بدون تغییر مانده است. «باور بدون تعلق»، چنان‌که کراکت و وواس می‌گویند، در بهترین حالت، دوران گذار کوتاهی است (Aarts & others, 2008: 23-28). در حالی که استیو بروس می‌پذیرد که الگوی تغییر دینی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است، نتیجه می‌گیرد که «دنیای مدرن غربی دیگر مکانی مذهبی نیست». پیشرفت‌های فناوری برداشت‌های مذهبی از جهان را کاهش می‌دهد. این مسئله باعث می‌شود افراد نظارت بیشتری بر محیط طبیعی داشته و نیازی به توضیحات و دستورالعمل‌های ماوراءالطبیعی نداشته باشند (Hunt, 2002: 27). بررسی تعلق دینی در سه گروه فوق در جدول زیر منعکس شده است.

جدول شماره ۱. میزان (درصد) تعلق دینی در کشورهای منتخب اروپای غربی

کشور	آلمان	فرانسه	اسپانیا	ایتالیا	پرتغال	ایرلند	دانمارک	هلند	بریتانیا	آلمان	ایرلند	پرتغال
کاتولیک	۳۲	۵۳	۸۱	۸۱	۸۵	۸۷	۱	۲۴	۱۳	۳۲	۵۵	۵۳
پروتستان	۴۰	۲	۱	-	-	۲	۸۷	۱۷	۵۱	۴۰	۳	۲
سایر مذاهب	۴	۳	-	-	۲	۲	۲	۵	۱۹	۴	۶	۲
بدون تعلق	۲۴	۳۷	۱۸	۱۸	۱۲	۹	۱۱	۵۴	۱۸	۲۴	۳۷	۲۴

منبع: برشون، ۲۰۰۸

به طور کلی، کشورهای پروتستان در مقایسه با کشورهای کاتولیک سهم بیشتری از جمعیت غیرمتعلق را پوشش می‌دهند. در این بین، از نظر سنی نیز جوانان، مردان و

فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیش از دیگر افراد جامعه خود را افراد غیرمتعلق معرفی کرده‌اند (Sahgal, Cooperman and Shiller, 2018: 81). عوامل مختلفی باعث شده است مردمان اروپای غربی هویت مذهبی‌شان را کنار بگذارند. شایع‌ترین دلیلی که بیشتر مردم بیان می‌کنند این است که «آنها به تدریج از دین دور شده‌اند». علاوه بر این، تقریباً نیمی یا بیشتر در اکثر کشورها می‌گویند که دیگر اعتقادی به آموزه‌های دینی دوران کودکی خود ندارند یا با مواضع مذهبی خود درباره موضوعات اجتماعی مانند همجنس‌گرایی و سقط جنین مخالف‌اند. همچنین، برخی رسوایی‌های مربوط به نهادهای مذهبی و رهبران را دلیل اصلی اینکه دیگر هویت خود را با دین نمی‌شناسند، معرفی می‌کنند. حداقل نیمی از پاسخ‌دهندگان در چندین کشور، به‌ویژه کشورهای کاتولیک، رسوایی‌های کلیسا را عامل بریدن از دین ذکر می‌کنند. این موقعیت به‌ویژه در کشورهای کاتولیک مانند اسپانیا، ایتالیا و پرتغال رایج است. برخی می‌گویند به دلیل اینکه نیازهای معنوی‌شان تأمین نمی‌شود یا در زمان‌هایی که به دین نیاز دارند، آنها را تنها گذاشته است، دیگر خود را با هویت دینی نمی‌شناسند. برخی نیز ازدواج با فردی خارج از دین خود را دلیل این موضوع می‌دانند (Ibid.: 87).

۲.۲. خداباوری و باور به خدای شخصی

باور به وجود خدا از شاخص‌های بسیار کلیدی است که باید برای سنجش دینداری جوامع به آن توجه کرد. باور به خدا، به غیر از دو کشور کاتولیک ایتالیا و پرتغال، که در سه دهه اخیر تقریباً ثابت مانده و بالای ۸۰ درصد است، تقریباً در تمامی کشورهای اروپای غربی روند کاهشی نشان می‌دهد. بیشترین کاهش به ترتیب به کشورهای بلژیک، نروژ، بریتانیا، فرانسه، اسپانیا، هلند و سوئد مربوط می‌شود. با وجود کاهش مستمر خداباوری در سه دهه اخیر در میان کشورهای اروپای غربی، هنوز این باور در میان کشورهای کاتولیک بالای ۷۵ درصد است. در این میان تنها استثنای کشور فرانسه است که در آن حدود نیمی از فرانسویان به خدا باور ندارند. در این بخش سوئد با ۴۶ درصد پیش‌تاز کشورهای اروپای غربی است و پس از آن کشورهای نروژ و هلند قرار دارند. باور به خدای شخصی مانند خداباوری در سی سال اخیر، در اغلب کشورهای

بررسی سیر تحول دینداری در جوامع اروپای غربی از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ / ۲۶۳

بررسی شده، البته به جز سوئد که ۵ درصد افزایش را نشان می‌دهد، سیر نزولی داشته است. بیشترین آمار باور به خدای شخصی مربوط به دو کشور کاتولیک ایتالیا و پرتغال به ترتیب با ۶۲ و ۶۱ درصد است که تقریباً ثابت است یا کاهش اندکی را نشان می‌دهد. کمترین باور به خدای شخصی به ترتیب مربوط به کشورهای فرانسه، سوئد، دانمارک و بلژیک است که کمتر از ۲۲ درصد را نشان می‌دهد. همچنین، بیش از ۹۰ درصد مردم پرتغال و ایرلند خود را مؤمن اعلام می‌کنند، اما شمار کسانی که به خدای شخصی اعتقاد دارند بسیار کمتر است (European Values Study, 2019).

به طور کلی، اگر فرانسه را استثنا در نظر بگیریم، سایر کشورهای کاتولیک گرایش‌های مذهبی تری نسبت به کشورهای پروتستان یا کشورهای مختلط دارند. در مجموع، باید خاطر نشان کرد که بیشتر اروپاییان در کشورهای مختلف، هنوز باور به خدا را تأیید می‌کنند. با این حال، دامنه اعتقاد و بی‌اعتقادی در اروپا به میزان چشمگیری وسیع است (Casanova, 2009: 206). به طور خلاصه، می‌توان گفت گرچه بیشتر مردم در کشورهای اروپایی هنوز نوعی اعتقاد عمومی به خدا را حفظ کرده‌اند، اما عمق و وسعت دینداری در اروپا بسیار کم شده است، تا جایی که کسانی که به خدای شخصی اعتقاد دارند، کسانی که مرتباً نیایش می‌کنند و کسانی که مدعی‌اند تجربه شخصی مذهبی دارند، در بیشتر کشورهای اروپایی اقلیت را تشکیل می‌دهند. از این منظر، برخلاف ایالات متحده که میزان وسیعی از دینداری را حتی در میان کسانی که به کلیسا نمی‌روند می‌توان یافت، بیشتر جمعیت در غالب کشورهای اروپایی را می‌توان به سادگی سکولار و غیرمذهبی توصیف کرد (Ibid.: 207).

در پژوهشی که تام اسمیت در سال ۲۰۱۲ در زمینه روند باور به خدا و باور به خدای شخصی در سی کشور اروپایی انجام داده، این نتیجه حاصل شده است که باور به خدا در اکثر کشورهای بررسی شده کاهش یافته است؛ اما زمانی که این کاهش سالیانه محاسبه می‌شود میزانش نسبتاً اندک است. اگر این روند عمومی و نسبتاً معتدل بی‌وقفه ادامه داشته باشد، به الحاد، که امروزه در شمال غرب اروپا و کشورهای سوسیالیستی سابق برجسته‌تر است، منجر می‌شود. بنابراین، در حالی که در اغلب جوامع اروپای

غربی حرکتی به سمت اعتقاد کمتر به خدا، سازگار با نظریه سکولاریزاسیون، در جریان است، این تغییرات تدریجی و در اندازه متوسط و از نظر دامنه مختلط است. بررسی‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که میان کشورهای مختلف همچنان تفاوت‌های بسیار در میزان و روند اعتقاد به خدا وجود دارد و یکسان‌سازی باور با کفر بعید است که در آینده پیش‌بینی‌پذیر رخ دهد (Smith, 2012: 5).

۳.۲. باور به آینده فرازین

باور به آینده فرازین (یا همان معاد) را در چهار شاخص باور به وجود بهشت، باور به وجود جهنم، باور به گناه و باور به زندگی پس از مرگ می‌توان سنجدید (برشون، ۱۳۹۶: ۲۳۹). تقریباً در تمامی کشورهای بررسی‌شده، به جز ایتالیا، شاخص باور به وجود بهشت طی سه دهه اخیر روند کاهشی حدوداً ۱۰ درصدی نشان می‌دهد. در آلمان درصد افرادی که به بهشت اعتقاد دارند، کاهش چشمگیری ندارد، در حالی که در هلند و انگلستان روند نزولی درخور توجهی رخ داده است. جالب توجه است که معتقدان به بهشت در کشور سوئد، به عنوان یکی از کشورهای بسیار سکولار اروپایی، از ۳۱ درصد به ۲۵ درصد و در ایرلند، به عنوان یکی از کشورهای بسیار مذهبی اروپای غربی، از ۸۹ درصد به ۷۷ درصد کاهش یافته است. این روند نزولی تقریباً در تمامی کشورهای بررسی‌شده و البته با درجه‌های مختلف دیده می‌شود.

درباره شاخص باور به وجود جهنم با مطالعه‌ای اجمالی به این نتیجه می‌رسیم که این قسم از باور در میان اقسام چندگانه باور، کمترین حامیان و معتقدان را دارد، به طوری که در سال ۲۰۰۸، فقط ۹ درصد مردم دانمارک، ۱۰ درصد مردم سوئد، ۱۵ درصد مردم نروژ و ۱۶ درصد مردم فرانسه به جهنم اعتقاد دارند. این آمار در نهایت در میان مردمان کشورهای کاتولیک به‌سختی به ۵۰ درصد می‌رسد، در حالی که معتقدان به بهشت در کشور ایرلند، نزدیک به ۸۰ درصد هستند. با توجه به اینکه در سی سال اخیر، حامیان و باورمندان به جهنم به کمترین میزان خود رسیده است، همچنان با شیب کندی روند نزولی‌اش را طی می‌کند.

بررسی سیر تحول دینداری در جوامع اروپای غربی از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ / ۲۶۵

درباره شاخص باور به گناه نیز روند کاهشی مشابهی در جریان است. درصد باورمندان به گناه در سوئد و دانمارک از ۴۰ درصد به ۲۰ درصد و در ایرلند و پرتغال به طور میانگین از ۹۰ درصد به ۷۰ درصد کاهش یافته است. درباره شاخص باور به زندگی پس از مرگ می‌توانیم کشورهای بررسی‌شده را به دو دسته تقسیم کنیم. در کشورهای سوئد، دانمارک و فرانسه درصد معتقدان به زندگی پس از مرگ به طور متوسط در حدود ۵ درصد افزایش یافته است، حال آنکه در سایر کشورها کاهش بین ۵ تا ۱۰ درصدی را شاهدیم (European Values Study, 2019).

۳. بُعد عمل به باورهای دینی

در این بخش برای بررسی عمل به باورهای دینی سه شاخص انجام دادن فرایض دینی فردی و جمعی، تصور کلیسا به عنوان نماد مسیحیت در اذهان و میزان به جا آوردن آیین سنتی دینی در نظر گرفته شده است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۱.۳. فرایض دینی فردی و جمعی

در حوزه عمل به اعتقادات دینی، انجام دادن فرایض و مناسک دینی، چه فردی و چه جمعی، شاخص کلیدی است. شواهد موجود در اروپای غربی به طور مداوم و واضح دو چیز را نشان می‌دهد: ۱. باورهای دینی سنتی و تعهد به دین نهادینه شده از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است؛ ۲. این باورها دائماً در سراسر اروپای غربی، به ویژه از دهه ۱۹۶۰، کاهش یافته‌اند. در همین زمینه کاهش حضور منظم در کلیساها از اوایل دهه ۱۹۷۰ کاملاً مشهود است. بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد بیشتر کشورهای اروپای غربی حضور منظم در کلیساها را، به جز در مراسم‌هایی مانند کریسمس، عید پاک، عروسی‌ها و مراسم تشییع، متوقف کرده‌اند؛ الگویی که در میان جوانان بسیار مشهود است. روندها در سال‌های اخیر فارغ از نوع شاخص یا نظرسنجی انتخاب شده، قوام فرآیند سکولاریزاسیون را نشان می‌دهند. این فرآیند نزولی در بسیاری از کشورهای کاتولیک مانند فرانسه، بلژیک، ایرلند، پرتغال و اسپانیا در خور توجه و شدید است (Norris and Inglehart, 2006: 227).

نیکولت و ترش الگوهای زوال مذهبی و تغییرات آن را با عنایت به داده‌های نظرسنجی ارزش‌های جهانی در طول دوره ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ بررسی کرده‌اند. با توجه دقیق‌تر به الگوهای دینداری کشورها شاهدیم که کشورهای کاتولیک به طور کلی در زمینه شاخص‌های دینداری امتیاز بیشتری دارند؛ پس از آن، کشورهای دومی مذهبی و کشورهای پروتستان قرار می‌گیرند. در میان کشورهای کاتولیک، فرانسه دینداری کمتر از سطح متوسط را، هم در بُعد معنوی و هم در بُعد نهادی، دارد. به طور خاص، تعداد فرانسوی‌هایی که منظم به کلیساها می‌روند، محدود بوده و تقریباً به اندازه سوئد، سکولارترین کشور در میان اروپاییان، بر اساس چهار شاخص (تعلق

دینی، باور دینی، نگرش به کلیسا و اعمال دینی) تعدادشان اندک است (Nicolet and Tresc, 2009: 1).

شواهدی از سکولاریزاسیون شدید در اکثر جوامع اروپایی وجود دارد، به‌ویژه وقتی به نرخ حضور منظم در کلیسا و همچنین درصد افرادی که مدعی‌اند هرگز به کلیسا نمی‌روند توجه شود. فقط در سه کشور اروپایی ایرلند، پرتغال و سوئیس بیشتر مردم مدعی‌اند که به طور منظم در کلیسا حضور می‌یابند. کمتر از ۲۰ درصد جمعیت در اکثر کشورهای اروپایی به طور منظم در کلیسا حاضر می‌شوند. این آمار در کشورهای اسکانندیناوی به کمتر از ۱۰ درصد کاهش یافته است. این احتمالاً نشانگر نوع دینداری است که شدیدترین و چشمگیرترین افول را از دهه ۱۹۵۰ از سر گذرانده است (Casanova, 2009: 208).

به طور میانگین فقط یک‌دهم مردمان کشورهای اروپای غربی روزانه نماز می‌خوانند. در حالی که تقریباً چهار برابر آنها (۴۰ درصد) می‌گویند هرگز نماز نمی‌خوانند. در چندین کشور از جمله سوئد و دانمارک بیش از نیمی از بزرگسالان (۶۲ درصد) می‌گویند هرگز نماز نمی‌خوانند. نرخ نماز روزانه در منطقه اروپای غربی در مقایسه با مناطق دیگر، از جمله اروپای مرکزی و شرقی (۲۷ درصد)، ایالات متحده (۵۵ درصد)، آمریکای لاتین (۶۷ درصد) و جنوب صحرای آفریقا (۷۷ درصد) بسیار کم است (Sahgal, Cooperman & Shiller, 2018: 98). تقریباً تعداد کمی از بزرگسالان در کشورهای اروپای غربی در فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کنند. برای نمونه، در پانزده کشور بررسی‌شده فقط ۲۲ درصد می‌گویند به طور میانگین حداقل یک بار در ماه در مراسم‌های مذهبی شرکت می‌کنند. در مقام مقایسه، حضور منظم در مراسم مذهبی در برخی از مراکز مسیحی جهان مانند آفریقا، آمریکای لاتین و ایالات متحده بسیار متداول است. برخی از اعمال مذهبی دیگر مانند نیایش، به اشتراک گذاشتن اعتقادات مذهبی با دیگران، کمک مالی به سازمان‌های مذهبی و ... در اروپای غربی نسبتاً نادر است (Ibid.).

با عنایت به داده‌های هر چهار موج مطالعه ارزش‌های اروپایی و تحلیل این داده‌ها به نتایج زیر می‌رسیم: در مجموع حضور در مراسم دینی جمعی و انجام دادن فرایض گروهی

در سه دهه اخیر در اغلب کشورهای اروپای غربی سیر نزولی طی کرده است. بیشترین کاهش انجام‌دادن فرایض دینی جمعی در میان کشورهای کاتولیک و کشورهای با مذاهب مختلط به چشم می‌خورد. ایرلند با ۴۲ درصد، اسپانیا با ۲۲ درصد و بلژیک با ۱۸ درصد در این بخش پیشتازند. به این ترتیب انجام‌دادن فرایض دینی جمعی حتی در میان مذهبی‌ترین کشورهای کاتولیک به کمتر از ۴۰ درصد رسیده است. این فرآیند کاهش در کشورهای با ترکیب مذهبی آلمان، بریتانیا و هلند با شیب ملایم‌تری همراه شده است. در این مدت کشورهای پروتستان سوئد، نروژ و دانمارک وضعیت خاصی داشته‌اند. حضور در مراسم دینی هفتگی کلیسا در سی سال اخیر در کشورهای مذکور، کمتر از ۱۰ درصد بوده و تقریباً روند ثابتی را در این مدت طی کرده است. در این میان می‌توان ادعا کرد که کشور فرانسه در میان کشورهای کاتولیک، تنها کشوری است که بیشترین شباهت را با کشورهای پروتستان دارد و حتی در برخی شاخص‌ها جلوتر از کشورهای با مذاهب مختلط قرار گرفته است. این فرآیند می‌تواند نشانه کاهش تدریجی قدرت و اقتدار کلیسا بر پیروان مسیحی خود باشد. از طرف دیگر، انجام‌دادن فرایض دینی فردی مانند نماز، مدیتیشن و مراقبه، که در نقطه مقابل فرایض دینی جمعی قرار دارد، در مقایسه با آن و تقریباً در نیمی از کشورهای اروپای غربی وضعیت بهتری را سپری می‌کند. کشور سوئد در سی سال اخیر، رشد ۱۰ درصدی داشته و در دو کشور دیگر پروتستان، یعنی نروژ و دانمارک، تقریباً روند ثابتی در این مدت طی شده است. در کشورهای با ترکیب مذهبی نظیر آلمان، بریتانیا و بلژیک و همچنین کشورهای کاتولیک تقریباً شاهد کاهش فرایض دینی فردی هستیم و این روند تقریباً ۵ تا ۱۵ درصد کاهش یافته است. با وجود این کاهش، در کشورهای کاتولیک همچنان پای‌بندی به فرایض دینی به طور متوسط بیش از ۶۰ درصد است (European Values Study, 2019).

۲.۳. تصویر کلیسا در اذهان عمومی

کلیسا فقط جایی برای نیایش پیروان مذاهب مختلف مسیحیت نیست، بلکه نمادی است که با کارکرد خود میزان رسوخ دین در باور عمومی جامعه و به طور کلی پویایی

دینی جوامع مسیحی را نشان می‌دهد. دکتر جورج کری (George Kerry)، اسقف اعظم کاتربری، در سال ۱۹۹۹ گفت: «کلیسا یک نسل از انقراض فاصله دارد» (Brown, 2009: 199). با عنایت به بررسی ارزش‌های جهانی، کلیساهای اروپای غربی سالیانه مؤمنان کمتری را جذب خود می‌کنند. بیشتر ناظران دینی مشهور از قبیل بروس (Steve Bruce)، بارو (Baro)، مک‌کلری (McClery) و اینگلهارت (Ronald Inglehart) موافق‌اند که این تغییرات تا حد بسیاری در نتیجه صنعتی شدن، شهرنشینی، دموکراتیزه کردن و پیشرفت تکنولوژی اتفاق افتاده است که برخی از خصوصیات اصلی دولت‌های رفاه هستند. این دولت‌ها که از نظر اقتصادی از جمله تحقیقات پیشرفته صنعتی، خدمات زیربنایی، فناوری پیشرفته، آموزش عالی و دموکراسی برترین‌اند، از لحاظ دینی نیز عموماً دولت‌های سکولار فرض می‌شوند؛ به این معنا که این دولت‌ها از اقدار کلیسا بسیار مستقل‌اند تا آنجا که خود را از هر نوع مذهب یا موجودیت‌های کلیسایی جدا می‌دانند (Folmer, Beaumont & Abdul Hamid, 2014: 397).

کلیساها چندین کارکرد سنتی خود مانند مدارس، بیمارستان‌ها، رفاه اجتماعی، ثبت ولادت‌ها، ازدواج‌ها و مرگ‌ومیرها، فرهنگ و سامان‌دهی اوقات فراغت را از دست داده‌اند. حوزه‌های نهادی در این معنا از هم مجزا شده‌اند که در هر حوزه نهادی، ارزش‌ها و هنجارها کارکردی و مستقل شده و از حوزه دین خارج شده‌اند (Halman, 2009: 37). مثلاً اکنون در بریتانیا کمتر از نیمی از زوجها در کلیسا عقد می‌کنند و حدود یک‌سوم زوجها بدون ازدواج با هم زندگی مشترک دارند. فقط یک‌پنجم نوزادان در کلیسای انگلیس و حدود یک‌پنجم نوزادان در کلیسای اسکاتلند یا کلیسای کاتولیک رم تعمید می‌شوند (Brown, 2009: 3). در طول چهل سال گذشته، دین از بسیاری از نوشته‌های تاریخی بریتانیا ناپدید شده، زیرا ماهیت سکولارش بدیهی تلقی می‌شود. آنچه امروز در حوزه عمومی «احیای دین» خوانده می‌شود، به معنای رو به رشد بودن دین در انگلیس نیست. حضور در کلیساها، عضویت، غسل تعمیدها، ازدواج‌ها و تقریباً همه شاخص‌های دیگر مناسک مذهبی همچنان در آغاز قرن جدید به‌مانند دهه ۱۹۶۰ ادامه دارد. از این نظر، هیچ چیز در واقعیت اجتماعی سکولاریزاسیون در انگلیس تغییر نکرده است (Ibid.: 201).

با عنایت به داده‌های ارزش‌های اروپایی، اعتماد عمومی به کلیسا در اکثر کشورهای اروپای غربی از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۸ سیر نزولی داشته و اکنون به جز ایتالیا، پرتغال و ایرلند به کمتر از ۵۰ درصد رسیده است. در این بین، فقط کشور پروتستان دانمارک است که در این مدت روند افزایشی داشته و از ۵۰ درصد به ۶۳ درصد افزایش یافته است. در میان کشورهای کاتولیک نیز فقط از ایتالیا می‌توانیم نام ببریم که در این مدت روند افزایشی داشته است. بیشترین کاهش اعتماد به کلیسا در کشورهای کاتولیک نیز در ایرلند، اسپانیا و بلژیک دیده می‌شود. شاخص حضور در مراسم دینی به صورت هفتگی در نهادهای کلیسایی (به جز مراسم تولد، ازدواج و مرگ‌ومیر) و در میان کشورهای اروپایی شدیداً کاهش یافته و حتی در میان سرسخت‌ترین کشورهای کاتولیک کمتر از ۵۰ درصد است. این وضعیت در میان کشورهای پروتستان مانند سوئد، دانمارک و نروژ کمتر از ۱۰ درصد است (European Values Study, 2019). وقتی متغیرهای حضور هفتگی در کلیساها و اعتماد به آنها را در نظر بگیریم، روند غالب در تمام قاره، روند کاهش دیانت است. با توجه به داده‌های موجود، این کاهش دینداری در کشورهای اروپای غربی، به جز ایتالیا، انکارناپذیر است. ایتالیا کشوری است که به نظر می‌رسد در آن میزان دیانت به جای احیای مجدد، منجمد شده باشد. درباره پرتغال تردید زمینه‌ای بسیار منطقی‌ای وجود دارد که برای تأیید آن به تجزیه و تحلیل طول زمانی بیشتری نیاز است (Pérez-Nievas and Cordero, 2010: 13-18).

درباره شاخص درجه ارتباط با خدا بدون نیاز به کلیسا، با بررسی داده‌های آماری مربوط به سال ۲۰۰۸، این نتیجه حاصل می‌شود که به طور میانگین ۵۱ درصد کشورهای اروپای غربی معتقدند برای ارتباط با خدا نیازی به واسطه‌بودن کلیساها ندارند (European Values Study, 2019). همچنین، درباره اعتقاد مردم کشورهای اروپای غربی به عملکرد و توانمندی کلیساهای کشورشان در پاسخ‌گویی به پرسش‌های چهارگانه مربوط به مشکلات زندگی خانوادگی، مشکلات اجتماعی، نیازهای معنوی و روحی، مشکلات اخلاقی و نیازهای فردی با بررسی نتایج حاصل از داده‌های ارزش‌های اروپایی این نتایج حاصل شده است: در بیشتر کشورهای اروپای غربی، حتی در

کشورهای به‌شدت مذهبی پرتغال و ایتالیا، کمتر از ۴۰ درصد مردم معتقدند که کلیساهای کشورشان توان حل مشکلات زندگی خانوادگی‌شان را دارند. این وضعیت در میان کشورهای پروتستان کمتر از ۲۰ درصد است. درباره توانمندی کلیساهای پاسخ‌گویی به مشکلات اجتماعی آمارهای داده‌های ارزش‌های اروپایی از سال ۱۹۹۰ وجود دارد و با مقایسه آمارها مشخص می‌شود کمتر از ۲۰ درصد مردم کشورهای پروتستان، کمتر از ۳۰ درصد کشورهای مختلط مذهبی و کمتر از ۴۰ درصد کشورهای کاتولیک معتقدند کلیساهای کشورشان توان پاسخ‌گویی به مشکلات اجتماعی آنها را دارند. وضعیت کلیساهای در پاسخ‌گویی به مشکلات اخلاقی و نیازهای فردی، مشابه دو شاخص پیشین است و هر چه از سال ۱۹۸۱ فاصله می‌گیریم و به زمان حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، تقریباً در تمامی کشورهای اروپای غربی از حامیان کلیساهای کاسته می‌شود. درباره شاخص چهارم مربوط به توانمندی کلیساهای در پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی و روحی افراد، وضعیت از سایر شاخص‌ها قدری بهتر است. بدین ترتیب که در این بخش کلیساهای حامیان و پیروان بیشتری در همه کشورهای پروتستان، کاتولیک و مذاهب ترکیبی بررسی شده دارند. مثلاً در دو کشور سکولار و پروتستان سوئد و دانمارک بیش از ۵۰ درصد مردم معتقدند کلیساهای کشورشان توان پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی‌شان را دارند (اطلاعات کامل در جدول شماره ۳ آمده است) (Ibid.).

بررسی سیر تحول دینداری در جوامع اروپای غربی از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ / ۲۷۳

مذهب	اعتماد به کلیساها				درجه از ۱ تا ۵ چندان بدین تراز به کلیساها و مراکز دینی	حضور در کلیسا حداقل یک بار در هفته				بستگی کلی کلیساها به مشکلات اجتماعی و نیازهای فردی				بستگی کلی کلیساها به مشکلات اجتماعی				بستگی کلی کلیساها به مشکلات زیستی-جانورادی				بستگی کلی کلیساها به نیازهای معنوی				
	۲۰۰۱	۲۰۰۶	۱۹۶۱	۲۰۰۱		۲۰۰۶	۱۹۶۱	۲۰۰۱	۲۰۰۶	۱۹۶۱	۲۰۰۱	۲۰۰۶	۱۹۶۱	۲۰۰۱	۲۰۰۶	۱۹۶۱	۲۰۰۱	۲۰۰۶	۱۹۶۱	۲۰۰۱	۲۰۰۶	۱۹۶۱	۲۰۰۱	۲۰۰۶	۱۹۶۱	
سوئد	۳۹	۴۵	۳۷	۳۹	۵۳	۹	۷	۸	۹	۲۴	۱۹	۲۳	۱۴	۱۴	۱۲	۱۳	۱۸	۱۴	۱۸	۵۳	۵۷	۵۱	۵۱	۵۲	۵۲	۵۲
دانمارک	۶۳	۵۸	۲۷	۵۰	۵۸	۵	۶	۸	۷	۲۹	۲۰	۲۵	۱۴	۱۴	۱۸	۱۸	۱۵	۱۳	۱۵	۵۴	۵۱	۵۵	۶۴	۶۴	۶۴	
نروژ	۴۱	۴۶	۵۰	۵۶	۳۵	۹	۸	۸	۸	۳۳	۲۱	۲۷	۱۸	۱۸	۱۹	۲۲	۲۷	۲۹	۳۳	۴۶	۴۱	۵۱	۵۸	۵۸	۵۸	
ایرلند	۴۴	۵۳	۴۵	۵۰	۴۸	۱۵	۲۱	۲۶	۳۳	۳۰	۲۲	۲۹	۲۴	۲۴	۲۷	۲۷	۳۰	۳۰	۳۲	۴۳	۴۶	۴۹	۵۸	۵۸	۵۸	
بریتانیا	۳۶	۳۳	۴۳	۴۹	۵۱	۱۷	۱۹	۱۷	۱۸	۳۵	۳۳	۳۴	۲۵	۲۷	۲۹	۳۳	۳۰	۳۶	۳۶	۴۱	۴۶	۵۸	۶۳	۶۳	۵۷	
آلمان	۴۰	۳۹	۴۱	۴۸	۴۸	۱۲	۱۶	۱۹	۲۵	۴۵	۴۴	۰	۲۸	۲۸	۳۳	۲۸	۳۹	۳۶	۳۳	۴۶	۴۹	۵۳	۶۷	۶۷	۶۷	
هلند	۳۵	۲۹	۳۳	۴۱	۴۳	۱۹	۱۸	۲۴	۲۰	۴۵	۳۷	۴۱	۳۳	۳۱	۳۱	۳۵	۳۱	۳۳	۳۳	۴۰	۴۶	۵۳	۵۴	۵۴	۵۴	
فرانسه	۳۶	۴۰	۴۹	۴۵	۵۳	۱۱	۱۲	۱۴	۱۷	۳۳	۳۶	۳۸	۲۲	۲۴	۲۷	۲۷	۲۸	۲۸	۳۰	۴۶	۴۱	۴۵	۵۸	۵۸	۵۵	
اسپانیا	۳۱	۴۲	۵۳	۵۱	۵۱	۲۱	۲۸	۲۶	۲۳	۴۰	۲۷	۲۷	۲۵	۲۶	۲۶	۳۰	۳۵	۳۵	۴۶	۴۱	۴۵	۵۸	۶۱	۶۱	۵۵	
ایتالیا	۶۷	۸۰	۵۷	-	۶۱	-	۳۸	۳۵	-	۵۵	۵۷	-	۳۳	۳۶	۴۴	۴۰	۴۶	۵۷	۵۷	۶۴	۶۴	۷۳	۶۳	۶۳	۶۳	
ایرلند	۵۴	۵۴	-	۷۸	۶۵	۴۱	۶۰	-	۸۳	۷۸	۰	۵۶	۲۸	۲۷	-	۳۱	۲۷	-	۳۱	۵۳	۶۲	۶۴	-	۶۴	۶۳	
کانادایک	۶۷	۶۷	۶۳	۶۱	۴۷	۳۵	۴۲	۴۲	۳۸	۵۷	۵۴	۵۱	۴۱	۴۳	-	۴۷	۴۸	۴۷	۴۷	۵۱	۷۸	۷۳	۷۱	۷۱	۶۰	

جدول شماره ۳. تصویر کلیسا در اذهان عمومی کشورهای اروپای غربی

۳.۳. پای‌بندی به آیین سنتی دینی در مسائل مهم زندگی

در اروپایی که فرایض دینی بسیار رنگ باخته است و تصویر کلیسا چندان خوب نیست، درخواست برگزاری مراسم دینی در لحظات مهم زندگی (تولد، ازدواج و مرگ) به طور شگفت‌آوری قوی مانده است. در سال ۱۹۹۰، ۶۲ درصد خواستار برگزاری هر سه آیین و در سال ۲۰۰۸، ۵۵ درصد خواهان آنها هستند. در اروپای بسیار سکولاریزه، آیینی‌بودن دینی لحظات مهم زندگی همچنان مهم باقی مانده است (برشون، ۱۳۹۵: ۲۳۲-۲۴۰). این مراسم از مراسم‌های بسیار پرطرفدار دینی در میان مردمان کشورهای اروپای غربی (پروتستان، کاتولیک و ترکیب مذهبی) است که با وجود کاهش شدید فرایض دینی در کلیساها و نهادهای دینی رسمی، هنوز بیشترین حامیان و طرفداران خود را دارند.

از سه مراسم مذکور برگزاری مراسم دینی به هنگام مرگ، حامیان بیشتری دارد؛ هرچند با توجه به مقایسه آمارهای موجود مربوط به داده‌های ارزش‌های اروپایی در روند چهار موج خود، اهمیت برگزاری مراسم مذکور کاهش ۵ تا ۱۵ درصدی نشان می‌دهد. ولی همچنان بسیاری از مردم، حتی در میان کشورهای پروتستان و سکولار، طرفدار برگزاری مراسم‌های یادشده هستند. اهمیت داشتن مراسم دینی برای زمان تولد، ازدواج و مرگ در کشور سوئد، در جایگاه یکی از کشورهای بسیار سکولار اروپایی، در سال ۲۰۰۸ به ترتیب ۵۰، ۵۰ و ۶۸ درصد است که نسبت به سال ۱۹۹۰ به ترتیب ۶، ۹ و ۱۲ درصد کاهش داشته است. این وضعیت برای دو کشور پروتستان نروژ و دانمارک در خصوص مراسم دینی تولد و ازدواج مشابه وضعیت سوئد است، اما مراسم دینی برای زمان مرگ نه تنها کاهش نیافته است، بلکه آمار جالب بالای ۸۰ درصد را نشان می‌دهد. در کشورهای کاتولیک، به غیر از اسپانیا و به طور خاص فرانسه که همواره در ردیف کشورهای پروتستان قابل مقایسه‌اند، درصد بالای اهمیت مراسم دینی، وضعیتی نسبتاً ثابت و بعضاً افزایشی را در بیست سال اخیر نشان می‌دهد. از میان این دو کشور، فرانسه به کشورهای پروتستان نزدیک‌تر است و اسپانیا نیز با روند کاهشی روبه‌رو است؛ هرچند هنوز آمارها در مقایسه با فرانسه بالاتر است.

بررسی سیر تحول دینداری در جوامع اروپای غربی از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ / ۲۷۵

در میان کشورهای دو یا چندمذهبی، هلند، مشابه کشورهای پروتستان، روندی کاهشی را طی می‌کند که حتی در این بخش پیشتاز تمام کشورهای اروپای غربی است. سایر کشورهای با مذاهب مختلط طی سه دوره نظرسنجی فرآیندی کاهشی را نشان می‌دهند؛ هرچند میزان و درصد مراسم‌ها همچنان چشمگیر است (European Values Study, 2019). از این منظر، نهادهای دینی کارکرد اجتماعی مهمی را حفظ کرده‌اند که می‌تواند اهرمی برای محدود نگه‌داشتن کاهش نفوذشان باشد (برشون، ۱۳۹۶: ۲۳۷). جدول شماره ۴ بیانگر وضعیت مراسم‌های یادشده در کشورهای بررسی‌شده است.

اهمیت داشتن مراسم دینی برای مردم				اهمیت داشتن مراسم دینی برای ازدواج				اهمیت داشتن مراسم دینی برای تولد				مذهب		
۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۲۰۰۶	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۲۰۰۶	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۲۰۰۶			
-	۸۰	۷۸	۶۸	-	۵۹	۶۲	۵۰	-	۵۶	۶۰	۵۰	پروتستان	سوئد	
-	۸۰	۸۰	۸۰	-	۶۴	۶۳	۵۴	-	۶۹	۶۵	۵۹	پروتستان	دانمارک	
-	۷۳	۷۳	۷۱	-	۶۸	۶۶	۵۹	-	۶۵	۶۱	۵۲	کاتولیک	فرانسه	
-	۸۱	-	۸۱	-	۷۰	-	۶۱	-	۶۶	-	۵۶	پروتستان	نروژ	
-	۸۶	۷۸	۷۶	-	۸۰	۶۹	۶۹	-	۶۶	۵۹	۵۸	ترکی	بریتانیا	
-	۷۹	۷۳	۷۳	-	۶۹	۶۸	۶۴	-	۶۵	۶۴	۶۳	ترکی	آلمان	
-	۶۰	۵۶	۵۷	-	۵۲	۴۶	۴۸	-	۴۷	۴۰	۴۱	ترکی	هلند	
-	۷۹	۷۴	۷۳	-	۷۶	۷۰	۶۳	-	۷۴	۷۰	۶۶	ترکی	بلژیک	
-	۷۹	۸۰	۷۱	-	۷۸	۷۵	۶۰	-	۷۸	۷۸	۶۷	کاتولیک	اسپانیا	
-	۷۹	۹۲	۸۵	-	۷۹	۸۹	۷۹	-	۷۵	۹۰	۷۵	کاتولیک	پرتغال	
-	-	۹۶	۹۶	-	-	۹۳	۹۰	-	-	۹۱	۹۲	کاتولیک	ایرلند	
-	۸۷	۸۹	۸۹	-	۸۳	۸۵	۸۲	-	۸۶	۸۹	۸۶	کاتولیک	ایتالیا	

جدول شماره ۴. اهمیت برگزاری مراسم آیینی در کشورهای منتخب اروپای غربی

نتیجه

موضوع دینداری در کشورهای اروپایی، و به طور خاص اروپای غربی، در دو قرن اخیر با نظریه سکولاریزاسیون عجین بوده است. یافته‌های این پژوهش، که با مطالعه و بررسی داده‌های ارزش‌های اروپایی در طی چهار موج مطالعاتی انجام‌شده در فاصله سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۸ حاصل شده است، نشان می‌دهد در بیشتر کشورهای اروپای غربی شکاف فزاینده‌ای میان باور و اعمال دینی مسیحیان وجود ندارد. روند کاهشی اعتقادات و اعمال دینی در طی سه دهه اخیر با نسبت‌ها و درجه‌های مختلف در میان جوامع پروتستان و کاتولیک همچنان ادامه دارد و همان‌طور که استیو بروس نتیجه می‌گیرد، الگوی تغییر دینی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است، ولی «دنیای مدرن غربی دیگر مکانی مذهبی نیست». مقایسه طولی داده‌ها در همه کشورهای پروتستان، کاتولیک و مختلط مذهبی بیانگر آن است که کلیساها کارکردهای سنتی خود را از دست داده‌اند. اعتماد به توانمندی کلیساها در پاسخ‌گویی به مشکلات اخلاقی، اجتماعی و زندگی خانوادگی به حداقل رسیده است. انجام‌دادن فرایض دینی در کشورهای پروتستان به پایین‌ترین حد ممکن کاهش یافته و اکنون با روندی ثابت و حتی با شیب منفی‌گندی در جریان است. در کشورهای مختلط مذهبی و کشورهای کاتولیک روند کاهش انجام‌دادن فرایض دینی کاملاً مشهود و تأمل‌برانگیز است و در صورت ادامه این روند می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده نزدیک مشابهت‌های بیشتری را در میان کشورهای اروپای غربی شاهد باشیم. تنها نکته مثبت برگزاری و حمایت از مراسم‌های آیینی در زمان‌های تولد، مرگ و ازدواج در میان کشورهای اروپای غربی است که همچنان حامیان و طرفداران خاص خود را دارد. مقایسه‌ای طولی از داده‌ها نشان می‌دهد که هر چه به زمان حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، روند نزولی مراسم‌های آیینی نیز با شیبی کُند و شاید نامحسوس در جریان است. در مجموع، می‌توان گفت پروتستانیتسم در مقایسه با رقیب کاتولیک خود، با انقباض شدید در گستره امر قدسی در واقعیت همراه است. در پروتستانیتسم اسباب و لوازم مربوط به شعائر دینی به حداقل‌ها کاهش یافته و پروتستانیتسم مانند پیش‌درآمدی از لحاظ تاریخی ضروری برای سکولارشدن کشورهای اروپای غربی عمل کرده است.

منابع

- برشون، پی‌یر (۱۳۹۶). دین در جوامع مدرن، ترجمه: علی‌رضا خدای، تهران: نی. خدایاری فرد، محمد؛ و دیگران (۱۳۹۱). مقیاس‌های دینداری، تهران: آوای نور.
- Aarts, Olav; Need, Ariana; Te Grotenhui, Manfred; De Graaf, Nan Dirk (2008). "Does Belonging Accompany Believing? Correlations and Trends in Western Europe and North Amerika between 1981 and 2000", in: *Review of Religious Research* 2008, Vol. 50 (1): 16-34.
- Abou-Youssef, Mariam; Kortam, Wael; Abou-Aish, Ehab; El-Bassiouny, Noha (2011). "Measuring Islamic-Driven Buyer Behavioral Implications: A Proposed Market-Minded Religiosity Scale" in: *Journal of American Science*, 7 (8).
- Brown, Callum G. (2009). *The Death of Christian Britain Understanding secularization 1800–2000*, in: *the Taylor & Francis e-Library*.
- Casanova, José (2009). "The Religious Situation in Europe", in: *Secularization and the World Religions*, Edited by Hans Joas, Liverpool University Press.
- European Values Study (2019). The European Values Study (1981, 1990, 1999, 2008), available at: <https://europeanvaluesstudy.eu/> (2019, 9, 28).
- Folmer, Henk; Beaumont, Justin; Abdul Hamid, Ahmad Fauzi (2014). "Secularization in Western Society: An Overview of the Main Determinant", in: *Pensee Journal*, Vol. 76, No. 6.
- Halman, Loek (2009). "Value Change in Western European Societies: Results from the European Values Study", available at: <https://www.researchgate.net/publication/242221510>
- Holdcroft, Barbara B. (2006). "What is Religiosity", in: *Journal of Catholic Education*, 10 (1), <http://dx.doi.org/10.15365/joce.1001082013>
- Hunt, Stephen (2002). *Religion in Western Society*, New York: Palgrave.
- Nicolet, Sarah; Tresch, Anke (2009). "From practicing Christians to Post-Traditional Believers? The Evolution of "Belonging" and "Believing" in Western Europe", In: *ECPR, Lisbon*, pp. 13-20.
- Norris, Pippa; Inglehart, Robert (2006). "God, Guns and Gays, Supply and Demand of Religion in the US and Western Europe", in: ppr (Public Policy research), This essay first appeared in the *Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide*, by Ronald Inglehart and Pippa Norris, published by Cambridge University Press.

- Pearce, Lisa D.; Hayward, George M.; Pearlman, Jessica A. (2017). "Measuring Five Dimensions of Religiosity across Adolescence", in: *Rev Relig Res* 59: 367–393, DOI 10.1007/s13644-017-0291-8
- Pérez-Nievas, Santiago; Cordero, Guillermo (2010). "Religious Change in Europe (1980-2008)", Paper to be presented at the SISP Annual Conference, pp. 1-29.
- Sahgal, Neha; Kooperman, Alan; Shiller, Anna (2018). "Five Centuries after Reformation, Catholic-Protestant Divide in Western Europe Has Faded", In: *Pew Research Center*, available at: <http://www.americanscience.org>.
- Salleh, Muhammad Syukri (2012). "Religiosity in Development: A Theoretical Construct of an Islamic Based Development", in: *International Journal of Humanities and Social Science*, Vol. 2 No. 14.
- Smith, Tom W. (2012). "Beliefs about God across Time and Countries", NORC/University of Chicago, Report for ISSP and GESIS.

References

- Aarts, Olav; Need, Ariana; Te Grotenhui, Manfred; De Graaf, Nan Dirk. 2008. "Does Belonging Accompany Believing? Correlations and Trends in Western Europe and North America between 1981 and 2000". In: *Review of Religious Research* 2008, vol. 50 (1), pp. 16-34.
- Abou-Youssef, Mariam; Kortam, Wael; Abou-Aish, Ehab; El-Bassiouny, Noha. 2011. "Measuring Islamic-Driven Buyer Behavioral Implications: A Proposed Market-Minded Religiosity Scale". In: *Journal of American Science*, 7 (8).
- Brown, Callum G. 2009. *The Death of Christian Britain Understanding Secularization 1800–2000*. In: *The Taylor & Francis e-Library*.
- Casanova, José. 2009. "The Religious Situation in Europe". In: *Secularization and the World Religions*, Edited by Hans Joas, Liverpool University Press.
- European Values Study. 2019. The European Values Study (1981, 1990, 1999, 2008), available at: <https://europeanvaluesstudy.eu/> (2019, 9, 28).
- Folmer, Henk; Beaumont, Justin; Abdul Hamid, Ahmad Fauzi. 2014. "Secularization in Western Society: An Overview of the Main Determinant". In: *Pensee Journal*, vol. 76, no. 6.
- Halman, Loek. 2009. "Value Change in Western European Societies: Results from the European Values Study", available at: <https://www.researchgate.net/publication/242221510>
- Holdcroft, Barbara B. 2006. "What Is Religiosity?". In: *Journal of Catholic Education*, 10 (1), <http://dx.doi.org/10.15365/joce.1001082013>
- Hunt, Stephen. 2002. *Religion in Western Society*, New York: Palgrave.
- Khodayari Fard; et al. 2013. *Meghyas-hay Dindari (Scales of Religiosity)*, Tehran: Away Nur. [in Farsi]
- Nicolet, Sarah; Tresch, Anke. 2009. "From Practicing Christians to Post-Traditional Believers? The Evolution of "Belonging" and "Believing" in Western Europe", In: *ECPR, Lisbon*, pp. 13-20.
- Norris, Pippa; Inglehart, Robert. 2006. "God, Guns and Gays, Supply and Demand of Religion in the US and Western Europe". In: *Public Policy research*, (This essay first appeared in the *Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide*, by Ronald Inglehart and Pippa Norris, published by Cambridge University Press)

- Pearce, Lisa D.; Hayward, George M.; Pearlman, Jessica A. 2017. "Measuring Five Dimensions of Religiosity across Adolescence". In: *Rev Relig Res* 59: 367–393, DOI 10.1007/s13644-017-0291-8.
- Pérez-Nievas, Santiago; Cordero, Guillermo. 2010. "Religious Change in Europe (1980-2008)", Paper to be presented at the SISP Annual Conference, pp. 1-29.
- Pierre, Berschon. 2018. *Din dar Jawame Modern (Religion in Modern Societies)*, Translated by Ali Reza Khoddami, Tehran: Ney. [in Farsi]
- Sahgal, Neha; Kooperman, Alan; Shiller, Anna 2018. "Five Centuries after Reformation, Catholic-Protestant Divide in Western Europe Has Faded". In: *Pew Research Center*, available at: <http://www.americanscience.org>.
- Salleh, Muhammad Syukri. 2012. "Religiosity in Development: A Theoretical Construct of an Islamic Based Development". In: *International Journal of Humanities and Social Science*, vol. 2, no. 14.
- Smith, Tom W. 2012. "Beliefs about God across Time and Countries". NORC/University of Chicago, Report for ISSP and GESIS.